

درس خارج  
فقه نظام عمران شهری  
جلسه ۲۲ (حریم ۸)

۹۴/۰۸/۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

یکی از مسائلی که در فقه عمران شهری از نظر اسلام مطرح است مسئله حریم ساختمان‌ها، ابنیه، اشیاء و حتی اشخاص است. برای اینکه بتوانیم قاعده حریم را به دست بیاوریم سه مطلب را مورد بحث قرار می‌دهیم.

مطلب اول اشاره به روایاتی است که در موارد متعدد در باب حریم وارد شده است. مطلب دوم این است که ما از این روایاتی که در موارد متعدد وارد شده است استفاده کلی می‌کنیم که حریم مختص به این اشیاء خاصی نیست یعنی از این روایات القای خصوصیت می‌شود. مثلاً در مورد حریم مسجد، چشمه، نخل و مصلا روایاتی وارد شده است که از آن‌ها استفاده می‌کنیم که حریم، اختصاصی به این موارد خاص ندارد و می‌توان از آن‌ها یک قاعده کلی و اختصاصی به دست آورد که این بحثی است که ما در فقه نظام از آن استفاده زیادی می‌کنیم. مطلب سوم هم اینکه حالا که حریم داشتن یک قاعده کلی است باید بدانیم که میزان در این قاعده کلی چیست؟ برای پاسخ به این سؤال به این نتیجه رسیدیم که میزان در حریم «دفع ضرر از صاحب حریم» است؛ یعنی باید حریم کسی که یک ملک یا شأن و حرمتی دارد رعایت شود. حریم هم آن فاصله‌ای است که اگر رعایت نشود به آن صاحب حق و حریم ضرر وارد می‌شود.

پس در بحث حریم ملاک عدم اضرار است؛ یعنی یا ضرر زدن و یا جلوگیری از انتفاع ملاک است. لذا اگر کسی ملکی دارد که حریم آن ملک رعایت نمی‌شود او نمی‌تواند از ملک خود استفاده و انتفاع کند. به هر حال حق انتفاع دارد و اگر حریم رعایت نشود حق او پایمال خواهد شد. این ملاک حریم و ملاکی کلی است که در همه جا باید آن را رعایت کرد. برای مثال در راه‌ها حریم باید رعایت شود و اگر یک راهی مخصوص عبور افراد باید حریم داشته باشد زیرا اگر حریم رعایت نشود برای افراد در عبور و مرور مشکل ایجاد خواهد شد. خیابان هم باید حریمی داشته باشد که اگر در راه برای کسی مشکلی ایجاد شد بتواند از آن استفاده کند. در فقه اسلامی در مبحث حق راه و خیابان وارد شده است که نباید مغازه‌دارها جنس‌های خود را وارد پیاده‌رو کنند زیرا این کار نظر شرع اسلام ممنوع است حتی باید از این مقدار هم کمی عقب‌تر بروند [در داخل مغازه] تا حریم مشتری و راه‌رو و گذرکننده رعایت شود. پس در بیان کلی حریم هر چیزی را باید رعایت کرد.

پس ما باید سه مطلب را توضیح دهیم؛ مطلب اول اینکه این روایات را بخوانیم، در گام بعد از این روایات استفاده می‌کنیم که بحث حریم اختصاصی به این موارد ندارد و ذکر این موارد از باب نمونه و مورد ابتلا است. قاعده سوم هم اینکه قاعده کلی حریم عدم اضرار یا عدم حق دفاع از شیء است که حق انتفاع افراد نباید صدمه ببیند، کسی که ملکی دارد باید بتواند از آن استفاده کند.

روایات مربوط به حریم مسجد در جلسات قبل مطرح شد؛ بیان شد که در روایت آمده است:

«أَنَّ حَرِيمَ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعاً مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ وَحَرِيمَ الْمُؤْمِنِ فِي الصَّيْفِ بَاعٌ وَرُيَ عَظُمُ الذَّرَاعِ.»<sup>۱</sup>

و درباره حریم مؤمن هم در همین روایت آمده است که حریم او در تابستان باید به اندازه دو باع باشد که باع به مقدار دو وجب است.

حریم سوم حریم خانه بود که روایت آن این است:

«شَكَا رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّ الدُّورَ قَدْ اكْتَنَفْتُهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ اِرْفَعْ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ وَسَلِ اللَّهَ أَنْ يُوسِّعَ عَلَيْكَ.»<sup>۲</sup>

معلوم می‌شود اینکه رسول خدا ﷺ به او فرمود دعا کن و از خدا بخواه که به تو توسعه دهد معلوم می‌شود این «اکتفاف الدور» که خانه‌ها چنان خانه کسی را احاطه کنند که راه نفس‌کشی برای آن نباشد شرعاً مطلوب نیست. نه اینکه راه نداشته باشد راه دارد بلکه بحث بر سر آن فضایی است که باید در دور خانه رعایت باشد. بیان شد که حریم خانه باید هفت یا پنج ذرع باشد؛ در موارد عادی هفت ذرع است و اگر اختلافی بین طرفین واقع شود باید حداقل پنج ذرع فاصله باشد.

همچنین در رابطه با نخل هم روایاتی وارد است که به‌طور کلی مشخص است که حریم نخل به چه مقدار است. -ما از بحث حریم در نخل هم استفاده خصوصیت نمی‌کنیم؛ زیرا به دلیل اینکه در آن زمان مورد ابتلای مردم بیشتر نخل بوده است درباره آن در روایات بحث شده است و الا نخل خصوصیتی ندارد. - در روایت آمده است که حریم نخل برد برگ‌های آن است یعنی به‌اندازه شاخه‌هایش حریم دارد. لذا اگر کسی مالک نخلی بود می‌تواند زیر این نخل بنشیند و یا اگر خرماي نخل در آنجا ریخته بود در آن محل برداشت کند زیرا آنجا ملک اوست. پس اگر کسی باغی را فروخت اما یک نخل را در آن استثناء کرد حریم آن نخل هم که برد شاخه‌های آن است ملک او محسوب می‌شود. به همین شکل در سایر درختان هم این موضوع ملاک است؛ پس اگر کسی درختی را مالک است بود شاخه‌های آن را هم مالک است یعنی زمینی که شاخه‌های آن درخت آن را احاطه می‌کند هم ملک اوست.

روایت آن‌هم به این شکل است:

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۲۷

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۳۰۰

«رَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي رَجُلٍ بَاعَ نَخْلَهُ وَاسْتَشْنَى نَخْلَةً قَضَى لَهُ بِالْمَدْخَلِ إِلَيْهَا وَ الْمَخْرَجِ مِنْهَا وَ مَدَى جَرَائِدَهَا.»<sup>۳</sup>

فردی نخلستانی را فروخت اما از آن چند نخل را استثناء کرد. رسول الله ﷺ این چنین دستور فرمود که مدخل و مخرج این نخل مربوط به شخص فروشنده است؛ پس هم راه به این نخل ها و هم محدوده شاخه های آن ها هم ملک او باقی می ماند - به دلیل اینکه استثنای این تعداد نخل انجام می شود. -

در روایت دیگر را شیخ صدوق رحمته الله و حمیری در قرب الاسناد روایت می کنند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَرِيمُ النَّخْلَةِ طُولُ سَعْفِهِ.»<sup>۴</sup>

حریم هر نخل طول شاخه آن است.<sup>۵</sup> روایت در وسائل الشیعه، باب احیاء موات، باب ۱۰، حدیث ۲ آمده است. روایت دیگر را کلینی و شیخ رحمتهما الله روایت می کنند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَضَى فِي هَوَائِرِ النَّخْلِ أَنْ تَكُونَ النَّخْلَةُ وَ النَّخْلَتَانِ لِلرَّجُلِ فِي حَائِطِ الْآخِرِ فَيُخْتَلِفُونَ فِي حُقُوقِ ذَلِكَ فَقَضَى فِيهَا أَنْ لِكُلِّ نَخْلَةٍ مِنْ أَوْلَيْكَ مِنَ الْأَرْضِ مَبْلَغَ جَرِيدَةٍ مِنْ جَرَائِدِهَا (حِينَ يُعْدُّهَا).»<sup>۶</sup>

کسی یک یا دو نخل در زمین دیگری دارد، -یعنی باغ متعلق به دیگری است منتها این شخص در آن باغ مالک یک یا چند نخل است. - درباره حقوق این نخل از حضرت سؤال شد و ایشان پاسخ داد: «أَنَّ لِكُلِّ نَخْلَةٍ مِنْ أَوْلَيْكَ مِنَ الْأَرْضِ مَبْلَغَ جَرِيدَةٍ مِنْ جَرَائِدِهَا حِينَ يُعْدُّهَا» این جریده که همان شاخه نخل است به کجا می رسد؟ به هر جا رسید شعاع شاخه این نخل ها ملک آن شخصی است که مالک آن نخل است.

یک نکته هم این است که اگر در جای نخل قبلی یک نخلی بکارد که آن نخل شاخه اش در محدوده همان درخت اول باشد ایرادی ندارد اما اگر شاخه اش مازاد بر حریم نخل اول باشد این دیگر تصرف در ملک دیگری است و باید مقداری از شاخه که تجاوز کرده است را ببرد. پس اگر ملک او از بین برود آن حریم همچنان ملک اوست؛ هر نخلی به اندازه سعه آن شاخه هایی که دارد تابع نخل است -یعنی تابع در ملکیت است. - این ملکیت تبعی است و مانند تبعیت یک خانه است که همان مقدار را دارد. اما اگر کسی خانه ای خرید دیگری نمی تواند

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۱۰۱

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۲۴

۵. در زبان عرب شاخه نخل را سعف گویند.

قسمتی از متن

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۲۴

زیرزمین او را بکند و در آن انبار درست کند زیرا زیرزمین هم برای مالکیت زمین ثابت است؛ یعنی خرید یک ملک همراه با تبع آن است.

حریم پنجم حریم چاه است که روایات زیادی درباره آن آمده است اما مختلف هستند؛ یعنی در برخی روایات حریم چاه اربعون ذراعا وارد شده، در برخی خمسون ذراعا و در برخی روایات آمده است که حریم بستگی به سختی و نرمی زمین دارد، پس اگر در زمین نرم باید بیشتر و اگر در زمین نرم کمتر است. اجمالاً از این روایات استفاده می‌شود ملاک در حریم چاه ضرر است، مخصوصاً از این روایت که از آن استفاده می‌شود که ملاک در حریم چاه عدم اضرار است.

در روایت آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ قَنَاءٌ فِي قَرْيَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَحْفِرَ قَنَاءَ أُخْرَى إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ كَمْ يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي الْبُعْدِ حَتَّى لَا يُضِرَّ بِالْأُخْرَى فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ ضَلْبَةً أَوْ رِخْوَةً فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَسَبِ أَنْ لَا يُضِرَّ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ.»<sup>۷</sup>

شخصی از امام حسن عسکری عليه السلام سؤال کرد که فردی قناتی در یک دهی دارد، شخص دیگری می‌خواهد در کنار آن قنات، قنات دیگری درست کند، فاصله آن‌ها باید چقدر باشد؟ حضرت در پاسخ فرمود: فاصله باید به حدی باشد که ضرری به قنات اول نرسد. پس مطلب دوم این است ما از این تعدد حریم‌ها استفاده عدم خصوصیت می‌کنیم.<sup>۸</sup>

مطلب سوم هم این است که از این روایت و روایات مشابه استفاده می‌کنیم که ملاک حریم عدم اضرار است؛ حدی که برای حریم هر چیزی معین می‌شود به مقداری است که به آن چیز ضرری نرساند. حتی در مسئله نمازگزار که نباید در مسجد به او چسبید و فضا را بر او تنگ کرد زیرا باید حریم او رعایت شود. حریم او در زمستان شبر و در تابستان دو شبر (باع) است. البته در شرایط ضرورت فرق می‌کند اما در شرایط عادی باید حریم داشته باشند.

بنابراین از این تعدد روایت در مورد حریم استفاده قاعده کلی می‌شود که برای هر چیزی که استفاده از آن متوقف بر حفظ حریم است باید حریم در نظر گرفت. مثلاً مکان مصلا حق اوست.

۷. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۳۱

۸. همین روایت را مرحوم شیخ کلینی به سندش از ابن محمود نقل می‌کند که این سند، سند صحیحی است؛ در من لایحضر الفقیه، جلد ۳، صفحه ۲۳۸ آمده است.

در روایت چنین آمده است:

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ يَعْنِي إِذَا سَبَقَ إِلَى السُّوقِ كَانَ لَهُ مِثْلُ الْمَسْجِدِ.»<sup>۹</sup>

و همه مشترکات و املاک عمومی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند؛ اگر کسی جایی را در مسجد گرفت فعلاً آن حق متعلق به اوست و دیگری نباید مزاحم او شود. اگر دومی هم می‌خواهد از حق خود استفاده کند نباید به به شکلی استفاده کند که مزاحم اولی باشد زیرا در این صورت حریم او را شکسته است.

روایت دیگری هم وارد شده است که مؤید این مطلب است که ملاک در حریم عدم اضرار است. روایتی است که مرحوم شیخ کلینی روایت می‌کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ رَحَى عَلَى نَهْرِ قَرْيَةٍ وَ الْقَرْيَةُ لِرَجُلٍ فَأَرَادَ صَاحِبُ الْقَرْيَةِ أَنْ يَسُوقَ إِلَى قَرْيَتِهِ الْمَاءَ فِي غَيْرِ هَذَا النَّهْرِ وَ يُعْطِلَ هَذِهِ الرَّحَى أَلَهُ ذَلِكَ أَمْ لَا فَوَقَعَ عَلَيْهِ يَتَّقِي اللَّهَ وَ يَعْمَلُ فِي ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَضُرُّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ.»<sup>۱۰</sup>

کسی یک آسیابی دارد که این آسیاب را بر روی نهر به کار برده است - باید نهری باشد که آسیابی کار کند زیرا آسیاب نیاز به جریان آب دارد. - آن نهر در دهی قرار دارد که آن ده متعلق به شخصی است. حال صاحب ده می‌خواهد نهر دیگری بکشد که آب را به آن نهر دوم بیاندازد که در نتیجه آن، آسیاب این مرد (صاحب آسیاب) تعطیل می‌شود. - سائل می‌پرسد که آیا می‌تواند این کار را کند؟ ده متعلق به اوست و وقتی ده متعلق به اوست نهر هم که تابع ده است متعلق به او می‌شود. حال آیا می‌تواند آب را از جای دیگر ببرد در حالی که اینکه به کسی که آسیاب خود را بر روی آن نهر سوار کرده است ضرر بزند؟ - حضرت در جواب او فرمود: «يَتَّقِي اللَّهَ وَ يَعْمَلُ فِي ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَضُرُّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ» حق ندارد به برادر مؤمن خود ضرر بزند.

ما از این روایت قاعده کلی استخراج می‌کنیم که استفاده از حق در آنجایی که موجب اضرار به دیگری شود ممنوع است ولو حق او هم باشد. زیرا استفاده از حق در مواردی که موجب اضرار باشد ملاک نیست. پس در ملک خود یا ملک عام باید به شکلی استفاده کند که موجب ضرر زدن به دیگری نشود.

روایت دیگر را مرحوم شیخ کلینی نقل می‌کند:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ كَانَتْ لَهُمْ عُيُونٌ فِي أَرْضٍ قَرِيبَةٍ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ فَأَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَجْعَلَ عَيْنَهُ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِهَا الَّتِي كَانَتْ

۹. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۰۶

۱۰. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۳۱ و ۴۳۲

عَلَيْهِ وَبَعْضُ الْعُيُونِ إِذَا فُعِلَ ذَلِكَ أَضَرَّ بِالْبَقِيَّةِ مِنَ الْعُيُونِ وَبَعْضٌ لَا يُضِرُّ مِنْ شِدَّةِ الْأَرْضِ قَالَ فَقَالَ مَا كَانَ فِي مَكَانٍ شَدِيدٍ فَلَا يُضِرُّ وَ مَا كَانَ فِي أَرْضٍ رِخْوَةٍ بَطْحَاءٍ فَإِنَّهُ يُضِرُّ وَإِنْ عَرَضَ عَلَى جَارِهِ أَنْ يَضَعَ عَيْنَهُ كَمَا وَضَعَهَا وَهُوَ عَلَى مِقْدَارٍ وَاحِدٍ قَالَ إِنْ تَرَاضَيَا فَلَا يُضِرُّ وَقَالَ يَكُونُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ أَلْفُ ذِرَاعٍ»<sup>۱۱</sup>

جمعی از مردم در یک زمینی که مالک چشمه‌هایی هستند که فاصله آن‌ها از یکدیگر کم است. حال یکی از این مالکین می‌خواهد چشمه خود را طوری هدایت کند که از محل پایین‌تر از چشمه دیگری سر دریاورد. این چشمه‌ها متفاوت هستند؛ اگر محل جوشش برخی از آن‌ها را تغییر دهیم به لحاظ سختی زمین به چشمه‌های دیگر ضرر نمی‌زند اما برخی از چشمه‌های دیگر چنین است که اگر جای آن‌ها را تغییر دهیم به چشمه‌های دیگر ضرر می‌زند. امام صادق علیه السلام در پاسخ به او فرمود: اگر در زمین سخت باشد ضرری نمی‌کنند اما اگر در زمین نرم است ضرر می‌کنند و در این صورت حق چنین کاری را ندارد.

روایت دیگر را نیز شیخ کلینی روایت می‌کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ أَتَى جَبَلًا فَشَقَّ فِيهِ قَنَاءً فَذَهَبَتْ قَنَاءُ الْآخِرِ بِمَاءِ قَنَاءِ الْأَوَّلِ قَالَ فَقَالَ يَنْقَاسِمَانِ بِحَقَائِبِ الْبُئْرِ لَيْلَةً لَيْلَةً فَيَنْظُرُ أَيُّهُمَا أَضَرَّتْ بِصَاحِبَتِهَا فَإِنْ رَأَيْتِ الْآخِرَةَ أَضَرَّتْ بِالْأُولَى فَلْتَعَوَّرْ»<sup>۱۲</sup>

مردی در یک کوهی قناتی را کند که تا یک سال آب این قنات جاری بود. فرد دیگری آمد و در همان جا یک قنات دیگری درست کرد اما قنات دومی آب قنات اول را خشک کرد. -اینجا ممکن است کسی بگوید که معلوم نیست که قنات اول به دومی ضرر زده یا قنات دوم به اولی ضرر زده است. - حضرت فرمود: در یک همچنین جایی یک شب از آن چشمه اول آب برداشت کنند؛ بعد وقتی این کار را کردند ببینند که آب قنات دوم کم می‌شود یا خیر، اگر چنین شد معلوم می‌شود که اولی به دومی ضرر می‌زند. یعنی کسی ضرر می‌زند که وقتی از آب قنات او برداشتند به مقدار آب قنات دیگر آسیب رسید. شب بعد از آب چشمه دیگر برداشت شود؛ حال اگر وقتی آب از آن برداشت می‌کنید ضرری به قنات دیگر نمی‌رسد - با این امتحان - باید آن قناتی که بر دیگری ضرر می‌زند را کور کنید. امتحان هم به دلیل این است که احتمال دارد خشک شدن قنات اول به سبب قنات دوم نباشد لذا باید این امتحان را انجام دهند تا ببینند کدام قنات به دیگری آسیب می‌زند و بعد آن قناتی که ضرر می‌زند را کور کنند.

۱۱. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۳۰

۱۲. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۳۲ و ۴۳۳

پس علاوه بر آنکه از روایت «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَى مُؤْمِنٍ» که یک قاعده کلی به دست می‌آید از این روایت هم می‌توان یک قاعده استخراج کرد؛ لذا در هر ملک و حقی باید حریم رعایت شود. این اجمال قاعده حریم است که از آن استفاده می‌کنیم که در ساخت‌وسازها باید حریم‌ها را رعایت کرد و بر همین اساس است که حریم خیابان‌ها در ساختمان‌هایی که از فضای خیابان را می‌گیرند باید لحاظ شود. البته باید دید؛ شاید اگر برای حریم استفاده‌کنندگان ضرری نداشته باشد بتوان در این صورت مجوز داد اما اگر به کسی که می‌خواهد از راه استفاده کند ضرر بزند حتماً باید رعایت شود.

در مسئله راه‌ها هم در آینده بحث خواهیم کرد که قاعده راه‌ها چیست و چه قوانینی را باید بر آن‌ها رعایت کرد. در آنجا خواهیم گفت که راه به تناسب جمعیتی که از آن استفاده می‌کند باید حساب شود؛ مثلاً راهی که اصلی است و همه مردم از آن استفاده می‌کنند باید وسیع‌تر باشد پس وقتی می‌خواهند راهی بسازند باید ببینند که قرار است چه مقدار مردمی از آن راه استفاده کنند و به اندازه آن باید سعه وجود داشته باشد. در راه‌های فرعی هم باید به تناسب تعداد افرادی که می‌خواهند از آن راه استفاده کنند سعه راه رعایت شود. پس بر همین قاعده، حریم راه پرجمعیت حریمی با ویژگی خاص دارد و حریم راه کم‌جمعیت حریم دیگری است. البته باید دانست که پیاده‌رو حریم خیابان نیست بلکه خود میسر است؛ پس هم برای پیاده‌رو و هم برای سواره‌رو باید حریم در نظر گرفت که مقدار هر کدام بستگی به تعداد جمعیتی دارد که آن استفاده می‌کنند. بنابراین نباید پیاده‌رو را حریم خیابان دانست.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم